

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین سعیدی « سعید افغانی »

۲۴ اکتوبر ۲۰۱۵

بسم الله الرحمن الرحيم

غسل

۱

غسل در زبان عربی (به فتح و ضم غ) به معنی جاری شدن آب بر هر چیزی است. و در اصطلاح فقه و شرع اسلامی به معنای جاری شدن آب بر تمام بدن انسان است از روی قصد و نیت.

غسل در ادیان ابرهیمی:

قبل از همه باید گفت که : آب و غسل در ادیان ابرهیمی از مقام خاصی برخوردار اند: یهودیان در مناسک دینی خود از آب استفاده می‌کنند تا پاکی و طهارت خود را حفظ کنند. طوری که می‌دانید ، شستن دست‌ها قبل و بعد از خوردن غذا در دین یهودیت واجب است. به خصوص شخصی که جدیداً به دین یهودیت مشرف می‌شود، انجام غسل بر وی واجب و لازمی می‌باشد . در دین یهودیت، مردان در روزهای جمعه و قبل از جشن‌های بزرگ مذهبی ، مراسم غسل را انجام می‌دادند، و زنان نیز قبل از مراسم ازدواج، پس از ولادت این فریضه را به صورت حتمی به جای می‌آورند. در دین یهودیت ، مراسم تطهیر، نماد احیاء و حفظ پاکی و خلوص مذهبی است و ریشه‌های آن را می‌توان در تورات یافت. این غسلها شامل شست و شوی دستها، شست و شوی دستها و پاها و یا فروبردن تمام بدن به زیر آب می‌شوند که باید با آب جاری که آب بحر، دریا و یا چشمه است، انجام گیرند. طوری که در فوق یاد آور شدیم در معابد، غسل توسط کاهنان، به عنوان يك آئین مقدماتی هنگام روی آوردن افراد به دین یهودیت صورت می‌گیرد . کاهنان پیش از شرکت در مراسم معبد باید دستها و وپای های خویش را بشویند . شستن دستها نه تنها قبل و بعد از صرف غذا، بلکه در بسیاری از مناسبت‌های دیگر نیز اجراء می‌شود.

در فصلهای ششم الی هشتم در کتاب پیدایش (نخستین کتاب تورات) داستان طوفان نوح آمده است. خداوند با فرستادن سیلی عظیم نوع بشر را هلاک کرد و تنها نوح علیه‌السلام و خانواده‌اش و جفتی از هر حیوان توسط کشتی نوح نجات یافتند.

داستان این سیل مهیب در فرهنگهای دیگری چون بومیان استرالیا و برخی از ساکنین جزایر اقیانوس آرام نیز وجود دارد.

اما داستان قوم یهود از آن جهت متمایز گشته که بر انصاف و عدالت خداوند تأکید می‌ورزد. سیل، کیفری الهی است که نوح علیه‌السلام به واسطه ارزشهای اخلاقی‌اش از آن نجات می‌یابد. سیل با پاک کردن همه گناهان از روی زمین، امکان زندگی دوباره را به بشر داد.

بحیره سرخ در تاریخ یهودیت از مقام و منزلت خاص مذهبی برخوردار است زیرا در آغاز مهاجرت بنی اسرائیل موسی و قوم یهود با عبور از آب از دست سربازان فرعون که در تعقیب آنها بود، نجات یافتند.

خدا به موسی علیه‌السلام کمک کرد تا به همراه قوم بنی اسرائیل از رود نیل عبور کرده و سلامت به سرزمینهای آنسوی رود نیل برسند. و قوم فرعون را غرق کرد، این معجزه پاداش ایمان موسی علیه‌السلام و قومش که قوم برگزیده خداوند محسوب می‌شدند، بود.

میقوه (mikveh) نوعی غسل در دین یهودیت برای طهارت بدن پس از تماس با مرده و همچنین پس از قاعدگی است. این عمل برای غسل دادن ظروف و نیز به عنوان یکی از آئین‌های مقدماتی هنگام روی آوردن افراد به دین یهودیت، صورت می‌گیرد.

این غسل باید با آبی که قبلاً در هیچ ظرفی ریخته نشده و تراوشی بدرون آن صورت نگرفته باشد، انجام گیرد. میقوه از دوران باستان ریشه می‌گیرد، دورانی که مردم پیش از ورود به معبد باید خود را در میقوه (محلّی که آب فراوان در آن تجمع کرده باشد) طهارت می‌کردند. در این مورد اهمیت آب به دلیل خاصیت پاک‌کنندگی‌اش می‌باشد.

مسیحیت

تقریباً همه کلیساها و فرقه‌های مسیحیت مراسم عبادی اولیه‌ای دارند که در آن از آب استفاده می‌شود، غسل تعمید نماد نجات بنی اسرائیل از بردگی در مصر توسط حضرت موسی علیه‌السلام و به واسطه عبورشان از دریای سرخ بوده و همچنین از تعمید عیسی مسیح علیه‌السلام توسط یحیی تعمید دهنده در اردن ریشه می‌گیرد.

پس از رستاخیز مسیح علیه‌السلام، وی حواریون خود را به تعمید دادن به نام پدر، پسر و روح القدس فرمان داد. (انجیل متی- باب ۲۸، آیات ۱۹ و ۲۰)

فرقه‌های مختلف در عالم مسیحیت هرکدام به گونه‌ای متفاوت به مسأله غسل تعمید می‌نگرند. غسل تعمید نماد رهائی از بند گناهای است که ما را از خداوند دور می‌کنند.

به جز کلیسای کاتولیک، سایر فرقه‌ها معتقدند که غسل تعمید به تنهایی موجب پاکی فرد از گناه نمی‌گردد بلکه این تنها اعلامیه‌ای بیانگر ایمان و اعتقاد به مسیحیت و نوعی خوش آمدگویی هنگام ورود شخص به کلیساست.

اما کلیسای کاتولیک معتقد است که به هنگام غسل تعمید تحولی عظیم در انسان رخ می‌دهد و این تنها یک نماد نیست بلکه عملی است که لکه ننگ گناه نخستین را از انسان می‌زداید.

ارزش نمادین آب در سه چیز است:

آب، آلودگی‌ها را می‌زداید و پاک می‌گرداند، بدون هر چه راه یابد آن را سیراب می‌کند آنچنان که خدا بندگانی را که غرق او شوند سیراب می‌کند و ما همچنان که برای حیات معنوی به خدا نیازمندیم برای حیات فیزیکی نیز محتاج آبیم. در کلیسای عهد عتیق، غسل تعمید توسط فردی که درون آب ایستاده و آن را به بالاتنه افراد می‌پاشید، انجام می‌گرفت. این عمل ایمرژن (immersion) نامیده می‌شد. اما امروزه این اصطلاح به فرو بردن تمام بدن به زیر آب اطلاق می‌شود که توسط تعمیددهندگان و کلیسای ارتدکس اجراء می‌گردد.

امروزه در بیشتر کلیساهای غرب این آئین با سه بار آب ریختن روی سر فرد (افیوژن) (affusion) یا تنها پاشیدن چند قطره روی سرش (اسپرشن – aspersion) انجام می‌شود.

اهمیت دیگر آب در مسیحیت آن چیزی است که مسیح علیه‌السلام آن را آب حیات نامیده (انجیل یوحنا. باب چهارم: آیات یکم تا چهل و دوم) داستان مسیح علیه‌السلام و زن سامری است.

مسیح آب حیات را به زن پیشنهاد می‌کند تا دیگر هرگز احساس تشنگی نکند. به عبارت دیگر آب حیات همان حیات جاودانه است.

آب حیات، آب متبرکی است که در دین یهودیت مورد استفاده قرار می‌گیرد، به خصوص آب حیات به آبی گفته می‌شود که در شب عید پاک، برای تعمید دادن تازه واردان به مذهب مسیحیت، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

تاریخ استفاده از آب برای تعمید دادن، به قرن چهارم در مشرق زمین و قرن پنجم در غرب باز می‌گردد. سنت آب پاشیدن روی افراد در آئین عشاء ربانی از قرن نهم آغاز شد. در این زمان استفاده از قح که ظرفی بود حاوی آب مقدس و مردم هنگام ورود به کلیسا خود را با آن تعمید می‌دادند، بسیار متداول بود.

همچنین در دعای پیش از غذا، تبرک کردن، دفع ارواح شیطانی و مراسم تدفین، از آب مقدس استفاده می‌گردد.

طهارت در مسیحیت عمدتاً شامل غسل تعمید و شست و شوی انگشتان و ظروف عشاء ربانی پس از پایان مراسم می‌شود. این عمل در دو مرحله انجام می‌گیرد: ابتداء جام را با شراب شسته و سپس دوباره جام و انگشتان کشیش را با آب و شراب غسل می‌دهند. این غسل بسیار مهم است زیرا این باور وجود دارد که پس از تبرک نان و شراب، مسیح علیه‌السلام ظهور می‌کند.

آب در دین مقدس اسلام :

آب در دین مقدس اسلام از اهمیت به خصوص و پر اهمیتی برخوردار است ، طوری که آب بعد از انسان، با ارزش‌ترین مخلوقات پروردگار با عظمت در قرآن عظیم الشان معرفی گردیده .

قرآن عظیم الشان در ۴۳ سوره اضافه تر از ۶۳ بار از آب با معانی گوناگون یاد نموده است قرآن عظیم الشان انسان را به تفکر درباره آب دعوت نموده و شکرگزار بودن نسبت به این نعمت بزرگ را یادآور شده است.

پروردگار با عظمت ما در (آیت ۳۰ سوره انبیاء) با زیبایی خاصی درباره اهمیت و ارزش آب می فرماید: «و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم» این آیت بیانگر واقعیتی است که دلالت بر آفرینش همه موجودات زنده اعم از گیاهان، حیوانات و انسان از آب دارد.

نعمت‌های الهی امانت‌هایی هستند که خداوند متعال برای رشد و تعالی انسان‌ها در اختیار ما قرار داده است. پس بهره‌برداری و استفاده از آب باید مطابق اوامر الهی و در جهت سعادت جاودانی انسان صورت گیرد . در آیات قرآنی و احادیث نبوی ، با تعبیرهای مختلف، اسراف و زیاده‌روی در هر کاری، به طور عام و در مورد آب، به طور خاص

مورد نکوهش و مذمت قرار گرفته است. در دین مقدس اسلام حتی اسراف آب در وضو گرفتن و غسل کردن نیز نهی شده است.

موجبات غسل:

شش چیز شرعا موجب غسل می گردد که سه تای آنها بین زنان و مردان مشترک است.

۱- اول برخورد و تماس دو محل ختنه شده در شرمگاه زن و مرد با هم. این برخورد و التقای دو محل ختنه شده (ختانین) در اصطلاح شرع یعنی ناپدید شدن سر آلت تناسلی مرد در شرمگاه پیش یا پس انسان یا حیوان است، خواه انزال منی صورت گیرد یا صورت نگیرد، بنابر حکم حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم که می فرماید: «إِذَا اتَّقَى الْخِتَانَانِ أَوْ مَسَّ الْخِتَانُ الْخِتَانَ فَقَدْ وَجَبَ الْغُسْلُ». (رواه مسلم). (هرگاه دو محل ختنه شده زن و مرد با هم برخورد پیدا کردند غسل واجب می شود).

۲- خارج شدن منی در بیداری یا در خواب خواه از روی شهوت باشد یا از روی شهوت نباشد چون پیامبر به طور مطلق فرموده است: «إِنَّمَا الْمَاءُ مِنَ الْمَاءِ» (رواه مسلم). (بی گمان آب از آب است، غسل به وسیله انزال منی واجب می شود - تا آب منی بیرون نیاید آب غسل لازم نیست).

۳- سوم مرگ است چون پیامبر صلی الله علیه وسلم درباره کسی که در احرام بود و شترش او را به زمین زد و مرد فرمود: «اغسلوه بماءٍ وِسِدْرٍ». (رواه الشیخان). (او را با آب و سدر غسل و شست و شو دهید). و اما آن سه چیز که موجب غسل اند و به زنان اختصاص دارد:

۱- اول حیض و قاعدگی است. چون خداوند می فرماید: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَى فَأَعْتَرُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ» (سوره بقره/ ۲۲۲). (در حالت قاعدگی از زنان کناره گیری نمائید (همبستر نشوید و مقاربت جنسی نکنید) تا این که پاک شوند و هنگامی که پاک شدند از طریقی که خداوند به شما فرمان داده است با آنها آمیزش کنید).

و در روایت بخاری آمده است: «تُمْ اغْتَسِلِي وَصَلِّي» (سپس غسل کنید و نماز بخوانید).

۲- دوم نفاس و داشتن خون ریزی زایمان است و آنهم چون حیض و قاعدگی است و حکم آن را دارد، چون در حقیقت خون حیض است که در مدت حمل جمع شده است و اصحاب رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم بر آن اجماع داشته اند که نفاس مانند حیض است.

۳- سوم وضع حمل است، اگر چه جنین سقط شده به صورت خون بسته یا پاره گوشت باشد. در این حال به دو علت غسل واجب می شود، یکی این که در ولادت و زایمان گمان خون ریزی است و در اینگونه موارد حکم به این گمان می شود همان گونه که چون در خواب احتمال بی وضوئی می رود خواب ناقض وضوء است. و دوم این که جنین، منی و آب مرد و زن است که منعقد شده و بدین صورت درآمده است، و بدیهی است که بیرون آمدن آب منی موجب غسل است.

فرائض غسل:

فرائض غسل دو چیز است:

اول:

نیت غسل کردن چون پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ».

(ارزش اعمال با نیت تحقق می پذیرد).

نیت و قصد و اراده صرفاً یک عمل قلبی است و با شستن اولین جزء بدن تحقق می پذیرد و کیفیت آن به اینصورت است که شخص جنب قصد و نیت رفع جنابت یا برطرف کردن بی وضوئی بزرگ (رفع حدث اکبر) را از همه بدن خود می کند. و زن پس از پاک شدن از خون ریزی حیض و نفاس قصد و نیت برطرف کردن ناپاکی و حدث و بی وضوئی حیض و نفاس را می کند.

برای صحت و درستی غسل شرط است که اول نجاست و ناپاکی را از بدن خویش دور سازد، بعد نیت غسل کند. چون آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خطاب به زنی فرمود: خون را بشوئید و خود را پاک کنید و سپس نماز بخوانید. برخی شستن و ازاله نجاست را از جمله فرایض غسل دانسته اند ولی حقیقت آنست که شرط غسل است.

دوم:

رسیدن آب به بیخ موها و تمام پوست بدن است، چون پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند:

« تَحْتَ كُلِّ شَعْرَةٍ جَنَابَةٌ فَبَلُّوا الشُّعُورَ وَ تَقَوُّوا الْبَشْرَةَ » (رواه ابوداود و الترمذی و ابن ماجه).

(زیر هر مویی از مویهای بدن جنابتی است پس همه مویهای بدن را تر کنید و بشوئید و تمام پوست بدن را پاکیزه کنید. و در لفظ دیگری آمده است: به حقیقت در زیر هر مویی جنابتی وجود دارد، پس موی را بشوئید و پوست بدن را پاکیزه کنید. و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «مَنْ تَرَكَ مَوْضِعَ شَعْرَةٍ مِنْ جَنَابَةٍ لَمْ يَغْسِلْهَا فَعَلَّ بِهِ كَذَا وَكَذَا مِنَ النَّارِ» (هرکس در غسل جنابت جای یک موی را ناشسته بگذارد در آتش دوزخ با وی چنین و چنان می شود).

علی بن ابیطالب رضی الله عنه می فرماید: به همین جهت از موی سرم بدم می آمد و با آن به دشمنی برخاستم و او موی سر خود را می تراشید. (احمد و ابوداود و ابن ماجه این سخن حضرت علی را ذکر کرده اند).

اگر آب غسل به زیر و ته مویهای بافته شده نرسد باز کردن آنها واجب است، چون پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده است: (مویها را بشوئید و ترک کنید) و (هرکس جای یک موی را ناشسته بگذارد ...) و اما آنچه از ام سلمه روایت شده که گفت: گفتم: ای رسول الله من عادت دارم که موی سر را ببافم آیا برای غسل جنابت آنها را باز کنم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «إِنَّمَا يَكْفِيكَ أَنْ تَحْتِيَ عَلَى رَأْسِكَ حَتِّيَاتٍ ثُمَّ تَقْبِضِي عَلَيْهِ الْمَاءَ فَتَطْهَرِينَ». (برای تو کفایت می کند که سه بار بر سر خود آب بریزی سپس بر تمام بدن آب بریزی آنوقت تو پاک شده ای). (مسلم در صحیح خود آن را روایت کرده است).

هدف از آن وقتی است که موی تنک و کم پشت باشد و بافتن آن مانع رسیدن آب به زیر موی ها و به پوست بدن نشود. در این صورت همه احادیث در جای خود مورد عمل قرار می گیرند و به اصطلاح جمع بین ادله می شود و تعارضی با هم ندارند.

و شستن تمام پوست بدن که ظاهر و آشکار است حتی آنچه که از سوراخ گوشها و دگر شکافها و لابه لای بدن و زیر پوست حلقه آلت تناسلی مردی که ختنه نشده و آن قسمت از آلت تناسلی زن که به هنگام نشستن برای قضای حاجت آشکار می شود، واجب می باشد.

و برطرف کردن مانیکور و رنگ ناخون واجب است، چون مانع رسیدن آب به پوست بدن می شود به خلاف حنا و رنگ که تنها رنگ پوست را تغییر می دهند و مانع رسیدن آب به پوست نمی شوند.

ادامه دارد